

«فرهیختگان» بررسی کرده در ۵ بازار اصلی اقتصاد ایران کدام سودآورتر بوده و چرا؟

رده‌بندی سودآورترین بازارها در ۹ ماه اول



افول فارابی

بررسی ۵ساله عملکرد فارابی نشان می دهد اثر بخشی و حضور آن در سینما کم رنگ تر از قبل شده و این مجموعه در سال ۹۷ تنها یک فیلم ساخته و در مشارکت هم ۵۰درصد افت داشته است



تحلیلی بر مهم ترین بخش سخنرانی پنجشنبه روحانی

علیه اپورتونیسزم

اصلاح طلبانه

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در سفر به مشهد مطرح کرد

چابک سازی، پاسخگویی

و تفویض اختیار به استان ها

پروسه پولی کردن خدمات شهری به عبور و مرور شهروندان رسید

اتوبان ها و تونل ها هم پولی می شوند؟



منشور
بردباری

۱۰ مقطع تاریخی انقلاب که

یادآور مواجهه اخلاقی بزرگان نظام

بامخالفان است

سر مقاله

در آسیب شناسی سانحه مصیبت بار واژگونی اتوبوس واحد علوم و تحقیقات

ضرورت ها و الزامات طراحی نظام مدیریت مخاطره، ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی



ملاح اسکندری

رئیس سازمان چاپ، انتشارات و امور رسانه های دانشگاه آزاد اسلامی

سانحه مصیبت بار واژگونی اتوبوس دانشجویان واحد علوم و تحقیقات فارغ از بروز احساسات تاسف دیرانگیز و تأثیربرانگیز اولیه، نیازمند یک سلسله مطالعات پاتولوژیک و آسیب شناسانه است. اگرچه سالانه در جاده های کشور بیش از ۲۰ هزار نفر بر اثر سوانح رانندگی جان خود را از دست می دهند، اما این اتفاق تلخ زنگ هشدار برای نظام آموزش عالی در کشور بود که باید سریعاً برای آن چاره اندیشی کرد؛ چراکه دانشگاه و آموزش عالی کشور باید پرچمدار فرهنگ سازی به منظور کاهش و فیصله بخشی مخاطرات ناشی از سوانح باشد. این در حالی است که امروزه دانشگاه های کشور چه دولتی و چه غیردولتی به دلیل فقدان سازوکارهای نظارتی تضمین کیفیت لجستیک و مدیریت مخاطره در عالی ترین مرجع آموزش عالی یعنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و به تبع آن در دانشگاه ها در معرض آسیب های مختلفی قرار دارند. در این بین وضع برخی دانشگاه های غیرانتفاعی و تعدادی از دانشگاه های دولتی در شهرهای دور از مرکز به دلیل محقق نشدن بودجه و مشکلات مالی که دولت با آن درگیر است، به مراتب مخاطره انگیزتر است.

نظام ارزیابی و تضمین کیفیت در دانشگاه، وظیفه نظارت بر حسن اجرای همه عملکردها و همچنین رقابت پذیرکردن دانشگاه از نظر کیفی و در همه ابعاد، خواه خدمات آموزشی و پژوهشی یا خدمات پشتیبانی و لجستیکی را برعهده دارد. خصوصاً این نهاد در دانشگاه های پیشرو جهان که رقابت تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به تدوین اصول دقیق و رصد پیاپی شاخص ها و مقولات مشخص در تمامی حوزه های حرفه ای و خدماتی دانشگاه منجر شده است.

در کشور ما، اولین اقدام برای ایجاد یک نظام جامع تضمین کیفیت، در سال ۱۳۹۳ در بند هفت برنامه پیشنهادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه شده به مجلس شورای اسلامی به چشم می خورد که یکی از راهبردها و راهکارهای پیشنهادی، «ایجاد سازمان تضمین کیفیت دانشگاه های کشور های اسلامی» عنوان شده بود؛ مع الاسف تاکنون چنین سازمانی تشکیل نشده است. همچنین دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی در وزارت علوم وظیفه ارزیابی و تضمین کیفیت نهادهای دانشگاهی کشور را برعهده دارد، اما با این حال این دفتر تاکنون نسبت به شیوه ارزیابی دانشگاه ها یا حوزه های نظارتی خود، سکوت کرده است.

این در حالی است که ارزیابی کیفیت خدمات علمی و لجستیکی دانشگاهی، در بسیاری از کشورها راساً توسط دولت انجام می شود. به عنوان مثال در انگلستان، کارگزاری دولتی تضمین کیفیت، مسئول ارزیابی کیفیت دانشگاه های این کشور است. با این حال در کشورهایی که سازوکارهای ارزیابی کیفیت دوره ای دولتی و سراسری پیش بینی نشده است، این وظیفه باید به عنوان یک راهبرد اصلی توسعه و پیشرفت در خدمات از یک سو و تضمین مدیریت ریسک های محیط داخلی و خارجی از سوی دیگر، مورد توجه قرار گیرد. از نظر ساختار اداری، عموماً بخش ارزیابی کیفیت جزء مدیریت کلان و از زیرمجموعه های معاونت سیاست گذاری و برنامه ریزی دانشگاه است.

به عنوان یک نمونه، در دانشگاه هاوارد سه بخش ارزیابی کیفیت، مدیریت برنامه های پشتیبانی و مدیریت مخاطره وجود دارد که هم به لحاظ کارکرد، هم از نظر ساختار و ارتباطات درون سازمانی، قابل توجه است. در ساختار سازمانی دانشگاه استنفورد نیز بخشی با عنوان بخش پشتیبانی تصمیم سازی اصلی است. به عنوان مثال، در تشکیلات دانشگاه آکسفورد دو اداره برای ارزیابی کیفی وجود دارد؛ یکی برای تصمیم گیران دانشگاه، تسهیل دسترسی به داده ها، انتشار گزارش های رسمی درمورد عملکرد دانشگاه و ارزیابی برنامه های دانشکده های دانشگاه استنفورد را در برنامه خود دارد.

اگرچه دانشگاه های کشور انگلستان توسط یک نهاد دولتی خارج دانشگاهی مستمراً ارزیابی کیفیت می شوند، با این حال، هر دانشگاه در درون خود نیز نهادها و فرآیندهایی را برای ارزیابی کیفی پیش بینی کرده است. به عنوان مثال، در تشکیلات دانشگاه آکسفورد دو اداره برای ارزیابی کیفی وجود دارد؛ یکی از این موارد بخش «کیفیت و سیاست گذاری آموزشی» است که توسط بخش پشتیبانی سیاست گذاری آموزشی اداره می شود و دیگری بخش «نظارت و بازرایی» است که مستمراً خدمات پشتیبانی در دانشگاه را رصد می کند. تضمین کیفیت، بازرایی داخلی، پیمایش دانشجویی و بازرسی نهادهای از

یادداشت

علیه اپورتونیسزم اصلاح طلبانه



محمد زعیم زاده

جانشین سر دبیر

مهم ترین بخش سخنرانی روز پنجشنبه حسن روحانی در مراسم دومین سالروز درگذشت مرحوم هاشمی رفسنجانی نه تلاش رئیس جمهور برای شناسایی پدر موشکی ایران بود و نه بحث اودرماره نقش مرحوم هاشمی در عملیات کربلای چهار، فراز مهم سخنرانی روحانی را باید ناظر به شرایط فعلی دولت تحلیل کرد. با این نگاه می توان گفت مهم ترین بخش صحبت ها به تلاش سخنران برای این همانی وضعیت دولت با بخشی از تاریخ زندگی مرحوم هاشمی رفسنجانی برمی گردد. حسن روحانی فرانچای بودن مرحوم هاشمی را از عوامل آنچه به عنوان مظلومیت مرحوم هاشمی تصویر کرده می داند و در ادامه جملاتی می گوید که بی ارتباط با نسبت این روزهای اصلاح طلبان و دولت نیست، «فرانچای بودن در این کشور سخت است، برای کسی که فرانچای عمل می کند روز پربوژی همه کف می زنند و در روز سختی همه از او فاصله می گیرند».

از نخستین روزهای تشکیل دولت دوم حسن روحانی بود که یک بحث مهم میان بدنه اصلاح طلبان حامی دولت شکل گرفت، نسبت اصلاح طلبان با عملکرد روحانی چیست؟ این سوال البته کم و بیش در دولت اول هم وجود داشت اما اصلاح طلبان تصمیم گرفتند در انتخابات ۹۶ مانند انتخابات دوره قبل با دادن چک سفیدامضا از دولت حمایت کنند، اما حالا اوضاع فرق می کند، شرایط جدید بین المللی که با قمار بزرگ دولت یعنی گره زدن تام و تمام اقتصاد به برجام همگام شده بود، همراه با غول نقدبینگی که سیاست های دست راستی مشاوران اقتصادی دولت مانند نیلی هر روز آن را چاق تر می کردند به دلار، طلا، خودرو، مسکن و... رسید و کم کم به متن زندگی مردم آمد، هر قدر افت اقتصاد با کاهش سرمایه اجتماعی دولت همراه می شد علامت سوال بالا بزرگ تر می شد، اصحاب تکرار به فکر پروژه تکراری عبور و مرور افتادند اما ارکستر نسبتاً منسجم انتخابات ۹۶ سازش ناکوک شد.

پروژه عبور دمدستی ترین ایده برای برون رفت از این شرایط بود اما همزمان با آن سوال اول، سوال مهم تری شکل می گرفت، آیا می توان بدون دادن هزینه، اعلام طلاق سیاسی کرد؟ اساساً آیا در لایه سمپات بدنه اجتماعی فعال و حتی میان مردم عادی چنین استدلالی پذیرفتنی است؟

ناظر به این دو سوال در میان اصلاح طلبان سه رویکرد قابل ردیابی است، دسته اول حلقه نزدیک تر به دولت بودند که تلاش کردند ضمن نزدیک تر شدن به رئیس جمهور توصیه گر شرایط موجود شوند، اعتدال و توسعه و طیف و اعطی-نوبخت مهم ترین نمادهای این دسته بودند که این دو در روزهای قبل از سخنرانی روحانی، محور انتقادات اصلاح طلبان از دولت بودند. کارگزاران سازندگی که در اوایل سال ۹۷ سعی کرده بود سهم خودش از دولت را با سوپرمن تصویر کردن اسحاق جهانگیری پرنرنگ نشان دهد حالا روزی نیست که از حلقه های بسته و خسته و مردان بزم دولت نگوید و چه کسی است نداند که این اشاره ها

به چه کسانی است؟ دسته دوم کسانی بودند که بر طبل عبور حداکثری از دولت کوبیدند، سعید حجازیان و بدنه جوان تر اصلاح طلب که خود را علت تامه رأی آوردن روحانی می دانستند، حالا تصویری از خود در آینه دولت نمی دیدند و شوریده از این اوضاع و با متراکم تر شدن فضای اعتراضی نسبت به دولت، جیغ رادیکالیسم و نافرمانی مدنی کشیدند، جیغ بنفشی که ناظر به شرایط سعی می کند بدنه اجتماعی معترض را با خود همراه سازد و ضمن انجماد اعتراضات در بزرگه های آتی سیاسی به آن سمت و سوی لازم را بدهد، سمت و سویی که برخلاف سروصدای زیاد این طیف بعید است به سمت نافرمانی مدنی یا کنش رادیکالی برود و اگر مثلاً روزی شنیدید این گروه به سرکردگی همان آقای تئوریسین در بهار ۱۴۰۰ پوستر فلان نامزد اصولگرای معتدل! را در خیابان ها توزیع می کند خیلی تعجب نکنید. این جریان فعلاً ترجیح می دهند کت اپوزیسیون دولت به تن داشته باشند و شلوار راحتی راه راه پوزیسیون به پا کنند و به سیاق سال های پایانی دولت اصلاحات ضمن چسبیدگی به قدرت شعار خروج از حاکمیت سر دهند. دسته سوم که طیف وسیع تری از اصلاح طلبان و سیاسیون پراگماتیست از بهزاد نبوی تا کارگزاران سازندگی را شامل می شود اوضاع دیگری دارند، آنها از طرفی به وضعیت اجتماعی دولت واقفند و از سوی دیگر خطرات به زور کشدن چسب اصلاح طلبان از زخم دولت را هم می دانند، یعنی برخلاف دو دسته اول نگاه واقعی تری به صحنه سیاست دارند و عمق ماجرا را تا حدودی فهمیده اند، اما هر قدر توصیف شان خوب است کمیت شان در تجویز می لنگد، یعنی برای عبور از این شرایط راه حل های خوبی ندارند، آنها تا امروز سعی می کردند حداقل به عنوان یک تاکتیک، حساب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور را از اعطای و نوبخت جدا کرده و این قل جدید را به عنوان نماد وضع موجود معرفی کنند و بر آنها بتازند تا هم ظرف اعتراض پر شود و هم خاطر رئیس رنجیده نشود.

سخنان روحانی اما از این باب اهمیت دارد که نشان داد او چنین تفکیکی را قبول ندارد، روحانی روز پنجشنبه صریحاً خودش را سبیل نقد اصلاح طلبان دانست و بر پروژه تفکیک خط قرمز کشید؛ از اینجا ماجراست که قصه عشق این دسته سوم به روحانی یک طرفه می شود که از قدیم شرایط خودتان بوده است. باعث دردسر، خصوصاً وقتی دقت کنیم که روحانی به سبک و سیاق احمدی نژاد که درحین عضویت در جامعه اسلامی مهندسین و مورد حمایت جمعیت ایثارگران بودن می گفت

فرانچای روحانی پنجشنبه آب پاکی را روی دست حامیان ریخت و به برخی احزاب اصلاح طلب که مدتی است درحال مرز گذاری با دولت هستند، پاسخ مستقیم داد که اگر شما نالانید که سهمتان از دولت کم است یا با حمایت از دولت اوضاع سیاسی تان خراب شده، من هم فرانچای ام! و به زبان بی زبانی گفت اگر روزی شما از من حمایت کرده اید به خاطر شرایط خودتان بوده است. روحانی درحالی هرهری مسلکی سیاسی و اپورتونیست بودن را به رخ حامیان دیروز و منتقدان امروز کشید که هم وضعیت سیاسی دولت را می داند و هم وضعیت خطر هر پیمایان سابق را.